

ویژگی‌های محتوای درسی مطلوب تاریخ ادبیات در دوره دوم متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی

■ حیدر قمری^۱

چکیده:

هدف این بررسی، ترسیم وضعیت مطلوب، یا ارائه الگوی پیشنهادی مطلوب، برای محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی با توجه به دو مؤلفه «ساختار» و «جامعیت» بود. مطالعه از نوع الگوی «مبتنی بر نظر خبرگان» بود. در عین حال، برای دستیابی به اعتبار بیشتر و تکمیل داده‌های به دست آمده، از نظرات دبیران و دانش‌آموزان به‌عنوان کاربران و مخاطبان اصلی اثر نیز استفاده گردید. جمعیت آماری این پژوهش شامل متخصصان تاریخ ادبیات ایران و جهان، دبیران کتاب‌های تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه سراسر کشور، و نیز دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم رشته علوم انسانی در سال تحصیلی ۹۴ - ۱۳۹۳ بود و حجم نمونه پژوهش در مجموع به ۱۴۵۴ نفر رسید. برای اجرای پژوهش در سطح مدارس، ۴ استان از طریق روش تحلیل خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شد. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات شامل فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات ایران، فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات جهان، پرسش‌نامه دبیران، و پرسش‌نامه دانش‌آموزان بود. روایی ابزارها بر اساس روایی محتوایی و با دریافت نظرات متخصصان درباره آن‌ها به دست آمد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که محتوای درسی مطلوب تاریخ ادبیات، باید از سویی دارای نظم تاریخی باشد؛ تا تأثیر و تأثرهای ادبی را نشان دهد و از دیگر سو، به روش ژانری تألیف گردد.

آموزش متوسطه، تاریخ ادبیات، دوره دوم، محتوای درسی مطلوب

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۸/۲۳ □ تاریخ شروع بررسی: ۹۵/۹/۲۱ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۸/۱۲

* استادیار پایه چهارم، دانشگاه فرهنگیان، رشته زبان و ادبیات فارسی h.ghamari@cfu.ac.ir
داده‌های این نوشتار، بخشی از یک مطالعه گسترده‌تر نگارنده با عنوان «ارزشیابی محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه (سال دوم و سوم آموزش متوسطه کونونی، رشته ادبیات و علوم انسانی)» است که به سفارش پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) اجرا گردیده است.

مقدمه

تاریخ ادبیات یکی از گسترده‌ترین قلمروهای دانش‌های ادبی است. گام نهادن در وادی آن و تدوین و تألیف آثاری سودمند، هم مستلزم برخورداری از دانش‌های تخصصی عدیده چون سبک‌شناسی، نقد ادبی، انواع ادبی، بلاغت و... است و هم نیازمند آگاهی از مبانی و مسائل روش‌شناسی است. در غیر این صورت، مؤلف به بیراهه کشانده می‌شود. منظور از مبانی و مسائل روش‌شناسی، موضوعاتی از این دست است:

۱. **تبیین اهداف و وظایف تاریخ ادبیات؛** پدیدآور چنین اثری پیش از هر چیز باید به تبیین چارچوب اهداف و وظایف تاریخ ادبیات اهتمام نماید. اگر او آن‌گونه که تودورف معتقد است، سه وظیفه اصلی تاریخ ادبیات را این موارد بداند، بخشی از تحدید موضوع را به‌درستی به فرجام رسانده است: «نخست مطالعه تغییراتی که هر مقوله ادبی به خود می‌پذیرد، دیگر بررسی انواع ادبی (ژانرها) و سوم مشخص کردن قوانین تغییر، که به گذار از یک دوره ادبی به دوره دیگر مربوط می‌شود» (تودورف، ۱۹۸۶، به نقل از پاکتچی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹؛ نیز رک. پورنامداریان، ۱۳۸۴، ص. ۵۲؛ قویمی، ۱۳۸۴، ص. ۸۴؛ فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).

۲. **تبیین قلمرو و موضوعات تاریخ ادبیات؛** این گام دوم در تحدید موضوع به حساب می‌آید. فتوحی (۱۳۸۷، ص. ۵۶) می‌گوید: «مورخ ادبی ناگزیر است در آغاز کار تعریفی روشن از ادبیات داشته باشد تا قلمرو کار خود را بشناسد و مشخص کند از منظر وی کدام رویداد ادبی است و کدام نیست». در غیر این صورت، قلمرو کار او ممکن است همه آفریده‌های تاریخی، جغرافیایی و... را دربرگیرد. از این رو ممکن است بهتر باشد فقط آثاری را که مصداق ادبیات محض هستند، یعنی دارای ارزش هنری اند، موضوع کار خود قرار دهد (ص. ۵۸). لذا تغییر و تحولات ادبی، انواع ادبی، عوامل زمینه‌ساز ظهور شاعران و نویسندگان دوران‌ساز، تحول علائق، سلیقه‌ها، افکار، و اندیشه‌ها و نیز عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... می‌توانند از جمله مهم‌ترین موضوعات تاریخ ادبیات به شمار آیند. (نیز رک. پاکتچی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴؛ پورنامداریان، ۱۳۸۴، صص. ۴۹ و ۵۰، ۵۳ و ۵۴؛ قویمی، ۱۳۸۴، ص. ۸۱ و ص. ۸۶).

۳. **تبیین ماهیت تغییر ادبی؛** چنان‌که گفته شد، موضوع «تاریخ ادبیات»، تغییر و تحول ادبیات در گذر زمان همراه با تبیین علل و عوامل تغییر و تأثیر و تأثر رویدادهای ادبی است؛ امری که از آن به‌عنوان «ستون فقرات» تاریخ ادبی، یاد می‌شود (فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۴۶). لذا محقق این قلمرو لازم است به کم و کیف و ماهیت این موضوع وقوف داشته باشد و در پژوهش خود آن را نصب‌العین قرار دهد. تغییراتی که به اشکال مختلف تبیین شده‌اند: «از نظر تینانوف تغییر ادبی بر توزیع دوباره شکل‌ها و کارکردها استوار است: شکل تغییر کارکرد می‌دهد و کارکرد تغییر شکل. فوری‌ترین وظیفه تاریخ ادبی مطالعه تغییر کارکرد این یا آن عنصر شکلی، ظهور

این یا آن کارکرد در یک عنصر شکلی، و هم‌آیی یک عنصر شکلی با یک کارکرد می‌باشد» (مکاریک، ۱۳۸۵، ص. ۸۵). «قوانین تغییر همانند قوانین اندام زنده‌اند. اندام ادبی مانند اندام زنده، زاده می‌شود، می‌شکفتد، پیر می‌شود و در آخر می‌میرد...» (مکاریک، ۱۳۸۵، ص. ۸۵ نیز رک. مکاریک، ۱۳۸۵، ص. ۸۶؛ پورنامداریان، ۱۳۸۴، ص. ۵۱؛ فتوحی، ۱۳۸۷، صص. ۴۴ تا ۴۷).

۴. آگاهی از حدود و ثغور وظایف تاریخ‌نگار ادبی؛ آگاهی تاریخ‌نگار ادبی از وظایفش، او را در دستیابی به اهداف یاری می‌نماید. نجومیان (۱۳۸۴، ص. ۹۶) وظیفه تاریخ‌نگار ادبی را بر اساس منابع مورد استفاده شامل مجموع وظایف منتقد ادبی و مورخ می‌دانند.

۵. وقوف به موانع و محدودیت‌های نگارش تاریخ ادبیات؛ لازم است تاریخ‌نگار ادبی به موانع و محدودیت‌های کار خود واقف باشد؛ موانع و محدودیت‌هایی از این دست:

- زمان‌دار بودن اطلاعات و ارزش‌ها (رک. اسمعیلی، ۱۳۸۴، ص. ۹ و ص. ۱۷).
- قطعی نبودن صحت اطلاعات (رک. پاکتچی، ۱۳۸۴، صص. ۲۶ و ۲۷).
- دشواری تقسیم و تمایز دوره‌ها، سبک‌ها و... (رک. قویمی، ۱۳۸۴، ص. ۸۷؛ فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۱).
- آمیختگی موضوعی تاریخ ادبیات با رشته‌های مجاور (رک. مکاریک، ۱۳۸۵، ص. ۸۶).
- گستردگی قلمرو تاریخ ادبیات و دشواری تدوین آثار جامع (رک. فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).
- محدودیت‌های تاریخ (که بر نگارش تاریخ ادبی هم اثر دارد) (رک. نجومیان، ۱۳۸۴، ص. ۹۲).

نتیجه اینکه، با این گستردگی قلمرو، و نیز ضرورت رعایت موازین متعدد، باید پژوهش در تاریخ ادبی را از جمله دشوارترین قلمروهای پژوهش دانست. در کنار این موضوعات، به‌کارگیری الگویی مناسب برای نگارش و تدوین کتاب یا کتاب‌هایی که بازتاب‌دهنده تاریخ ادبی باشد، آن هم برای مخاطبان مدرسه‌ای به‌گونه‌ای که در چارچوب مسائل مطرح‌شده جامعیت هم داشته باشد، بر دشواری کار می‌افزاید. لذا در مطالعه حاضر، علاوه بر توجه به دشواری‌های کار، بر آنیم که خصیصه‌های الگوی مطلوب برای محتوای درس تاریخ ادبیات دوره دوم متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی را با توجه به دو مؤلفه «ساختار» و «جامعیت» در تدوین محتوا ارائه نماییم. چراکه می‌دانیم از جمله کتاب‌های درسی دوره متوسطه، کتاب‌های تاریخ ادبیات (نوشته استاد یاحقی و استاد فرزاد) است که همواره در مظان پرسش و تشکیک بوده و ضرورت جایگزینی آن‌ها با آثاری سودمندتر مطرح بوده است. از جمله دلایل این تشکیکات این است که:

۱. در قسمت اول کتاب‌های تاریخ ادبیات درسی، یعنی تاریخ ادبیات ایران، دوره‌بندی بر اساس چهره‌های شاخص در دوره‌های تاریخی است. اما قسمت تاریخ ادبیات جهان آن دو، بر مبنای

مکتب‌های ادبی نوشته شده است. در واقع، ساختار کتاب اولاً بر اساس شیوه‌های پذیرفته شده نیست و ثانیاً، دو بخش آن (تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان) به یک شیوه تألیف نشده است.

۲. اهداف پیش‌بینی‌شده برای دو کتاب در راهنمای برنامه درسی به‌عنوان سند بالادستی، عمدتاً قابل تحقق نیست.

۳. عدم صحت و اعتبار علمی پاره‌ای از مطالب دو کتاب از منظرهای تاریخی، زندگی‌نامه‌ای، و ادبی مسجل است. اطلاعات تاریخی کتاب عمدتاً دارای مأخذ و منابع چندان روشنی نیست. آنچه در محتوا بازتاب پیدا کرده تصویری روشن و کامل به دانش‌آموزان نمی‌دهد. در مباحث زندگی‌نامه‌ای هم وحدت رویه وجود ندارد.

۴. عمده محتوای دو کتاب برای دانش‌آموزان جالب و جاذب نیست.

۵. پس از تدوین این دو کتاب درسی، در بیش از دو دهه قبل تا امروز، اتفاقاتی در قلمرو موضوعی این حوزه رخ داده است اما این دو کتاب تأثیری از آن‌ها نپذیرفته‌اند، از جمله اینک:

- انتشار نتایج مطالعات و یافته‌های پژوهشی نو در زمینه بزرگان ادب فارسی و نیز جریانات ادبی گذشته ایران که آگاهی ما را تاحدی دگرگون کرده است (رک. مصداق این مقوله در مقاله شفيعی کدکنی، ۱۳۸۸؛ نیز فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۲۶۵ و ص. ۲۶۶).
- دانش‌های نو ادبی مانند تاریخ ادبیات‌نگاری نوین در سال‌های اخیر (به‌ویژه دهه اخیر) به کشور ورود جدی‌تر داشته‌اند (ص. ۲۶۷).
- تحولات اجتماعی و فرهنگی ذائقه نسل‌های نو را دگرگون کرده است و حتی میل به قرائت نو از آثار کهن را سبب شده است (ص. ۲۶۸ و ص. ۲۶۹).

حاصل سخن اینک، ضرورت توجه به ادله بالا از یک‌سو، و عملی شدن جریان تحول و نوسازی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی و لزوم تدوین محتوایی معتبرتر و با روایی مناسب‌تر از دیگر سو، پرسش‌هایی را پیش روی قرار می‌دهد که دست‌یابی به پاسخ آن‌ها نیازمند پژوهش است؛ از این رو نگارنده بر آن شد تا ویژگی‌های کتاب یا کتاب‌های جانشین احتمالی را از رهگذر مطالعه حاضر معلوم نماید.

هدف‌های پژوهش

۱. تبیین وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات با توجه به الگوهای مختلف در تدوین آن
۲. تبیین وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات از نظر جامعیت

پیشینه پژوهش

فتوحی (۱۳۸۷) کتاب‌های تاریخ ادبیات را از لحاظ روش در این گروه‌ها طبقه‌بندی کرده است: ۱. ادامه تذکره‌نویسی ۲. تذکره‌های تحقیقی انتقادی ۳. تاریخ ادبی به موازات تاریخ عمومی ۴. جریان‌شناسی ادبی ۵. تاریخ درونی ادبیات ۶. تاریخ انواع ادبی ... ۷. پژوهش‌های دوره‌ای ... سیدی (۱۳۸۹) نیز این روش‌ها را در سه دسته و تحت عنوان رویکردهای تاریخ ادبیات‌نگاری تقسیم‌بندی کرده است: ۱. رویکرد سنتی ۲. رویکرد علمی ۳. رویکرد هرمنوتیکی «(سیدی، ۱۳۸۹؛ نیز رک. سلطانی، ۱۳۸۰؛ فتوحی، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۷ تا ۱۳۸).

اینکه تاریخ ادبیات مطلوب درسی در دبیرستان چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تاکنون مستقلاً مورد توجه محققان نبوده است، اما آثاری در بررسی، طبقه‌بندی و نقد تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیات ایران پدید آمده است که از بررسی آن‌ها و توجه به مسائل مطرح‌شده هر یک به صورت ایجابی، می‌توان به ویژگی‌های چنین کتابی تا حدی نزدیک شد. از نتایج این نقد و بررسی‌ها این است که بر سنت تاریخ ادبیات‌نگاری فارسی ایراداتی از این دست وارد شده است:

«۱. غلبه ذوق کلاسیک ... ۲. مطلق‌نگری به زیبایی ... ۳. غفلت از فردیت ... ۴. شعرمحوری ... ۵. تمرکز بر ادبیات رسمی ... ۶. مقاصد آموزشی ...» (فتوحی، ۱۳۸۷). فتوحی همچنین به ایرادات دیگر در تاریخ ادبیات‌نگاری فارسی نظیر توصیف یکسان هنر همه شاعران (ص. ۱۰۴)، بی‌اعتنایی یا کم‌اعتنایی به شاخه‌هایی از ادبیات مانند ادبیات مردمی (همان، ص. ۲۶۵)، عدم شناخت سبک‌های شخصی در سایه توجه به سبک عمومی و ... (همان، صص. ۱۰۵ و ۱۰۶) اشاره دارد.

زرین‌کوب (۱۳۷۵، مقدمه، ص. ب) معتقد است تقسیم و تبویب ادوار شعر و نثر به عهد و نام پیشروان و طلایه‌داران بزرگ که پیشنهاد سارتون است، مشکل تاریخ ادبیات را حل نمی‌کند، روش مطمئن‌تر را هرمان اته و الساندرو بائوسانی ایتالیایی دنبال کرده‌اند. این روش، تحول هر یک از انواع ادبی را به‌طور جداگانه بررسی می‌کند.

سیدی (۱۳۸۹) نیز ایراداتی از جمله: اطلاق ادبیات بر تمامی آثار مکتوب تمدن و فرهنگ، مخزن اطلاعات خام زندگی‌نامه‌ای بودن، فقدان نگرش تاریخی و کم‌توجهی به روایت تاریخی ادبیات، سیر تحول، لحظه‌های تغییر سبک‌ها و مسئله تأثیر و تأثر، و... را بر تاریخ ادبیات‌نگاری سنتی وارد می‌داند.

سمیعی‌گیلانی (۱۳۸۶) نیز ایراداتی از این دست را بر کتب تاریخ ادبیات فارسی وارد می‌داند: «تاریخ ادبیات‌های موجود از حیث نقد ادبی و ملاک‌های آن، کمبود و نارسایی جدی دارند... این نقایص از چند عامل ناشی شده است. اول اینکه برای تاریخ ادبیات‌نگاری، نقد ادبی ضروری است. نقد ادبی است که به ما می‌گوید کدام شاعر یا نویسنده را وارد تاریخ ادبیات کنیم. وی همچنین معتقد است که به شاعران و نویسندگان محلی که به زبان فارسی شعر سروده‌اند یا آثاری پدید آورده‌اند

توجه کافی نشده است. از انواع جدید ادبی - داستان، شعر نو، طنز، نمایشنامه، تصنیف و انواع نوشته‌های مطبوعاتی - تا حدی غفلت شده است...».

از نظر زرقانی (۱۳۸۹)، کاستی‌های روش‌شناسانه دیگری هم در تاریخ ادبیات‌نگاری زبان فارسی وجود دارد: ۱. گسست میان ادوار ۲. غفلت از رویکرد جریان‌شناسانه ۳. بی‌توجهی به روابط بینامتنی ۴. تک‌ساحتی کردن چهره‌ها ۵. بررسی تاریخ نوشتارها به جای تاریخ ادبیات ۶. کم‌توجهی به تطور ادبیات مثنوی ۷. ابهام در نسبت‌گفتمان تاریخی و ادبی ۸. ازلی - ابدی پنداشتن نظام‌های بلاغی و زیباشناختی ۹. غلبه نقد ذوقی ۱۰. نخبه‌گرایی ۱۱. فقدان نظریه ادبی ۱۲. نادیده گرفتن ادبیات عامیانه ۱۳. بی‌توجهی به دگردیسی انواع ادبی ۱۴. بی‌توجهی به جامعه‌شناسی ادبیات. (نیز رک. سلطانی، ۱۳۸۴؛ و پورنامداریان، ۱۳۸۴ ص. ۵۴).

چنان‌که می‌دانیم، کتاب‌های درسی تاریخ ادبیات در داخل و در بطن سنت تاریخ ادبیات‌نگاری فارسی نگاشته شده‌اند و نقاط قوت و ضعف آن‌ها طبیعتاً متأثر از این سنت کلی است؛ این آثار تاکنون تنها در چهار مطالعه براتی (۱۳۸۷)، کرمی (بی‌تا)، حق‌شناس (۱۳۹۲) و سارلی (۱۳۹۲) مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند؛ مطالعاتی که ناظر بر کاستی‌های این کتاب‌هاست و کم و کیف و خصایص کتاب‌های مطلوب را مستقیماً به تصویر نمی‌کشند. با این همه، مطالعات سال‌های اخیر، با رویکردهایی نوآیین، افق‌های تازه‌ای در نگارش تاریخ ادبی ایران گشوده است که می‌تواند نویدبخش تدوین آثاری درخور باشد. از جمله این مطالعات می‌توان به زرقانی (۱۳۸۸؛ ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۵)، و یارشاطر (۱۳۹۳) اشاره کرد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و با الگوی «مبتنی بر نظر خبرگان» است. در عین حال، از دبیران و دانش‌آموزان به‌عنوان کاربران و مخاطبان اصلی کتاب (محتوا) نیز نظرخواهی شد تا از راهبرد مثلث‌سازی^۱ (سه‌سویه‌سازی) برای گردآوری شواهد از منابع مختلف و به شیوه‌های گوناگون نیز در جهت دستیابی به اعتبار بیشتر و تکمیل داده‌های به‌دست‌آمده استفاده شده باشد.

جمعیت آماری^۲ این پژوهش شامل متخصصان تاریخ ادبیات، دبیران دو کتاب تاریخ ادبیات، و نیز دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم رشته علوم انسانی در سال تحصیلی ۹۴ - ۱۳۹۳ بوده است. حجم نمونه پژوهش (شامل ۱۴۵۴ نفر) بر اساس جدول نمونه‌گیری مورگان به شرح زیر انتخاب شد:

- دانش‌آموزان پایه دوم: ۴۰۱ نفر؛ پایه سوم: ۴۱۱ نفر
- دبیران پایه دوم: ۳۳۲ نفر؛ پایه سوم: ۳۰۱ نفر
- متخصصان تاریخ ادبیات ایران: ۵ نفر؛ متخصصان تاریخ ادبیات جهان: ۴ نفر

محقق بر آن بود تا ۴ استان مورد بررسی را به روش تحلیل خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب نماید^۲. لذا تهران از خوشه استان‌های خیلی بزرگ، کرمان از خوشه استان‌های بزرگ، کرمانشاه از خوشه استان‌های متوسط و سمنان (و قم) از خوشه استان‌های کوچک با طی مراحل زیر انتخاب گردیدند:

۱. انتخاب ۴ استان از طریق روش تحلیل خوشه‌ای چندمرحله‌ای
۲. انتخاب تصادفی سه منطقه یا شهرستان از استان‌های منتخب (مجموعاً ۱۲ شهرستان یا منطقه)
۳. انتخاب تصادفی ۲۴ دبیرستان (۱۲ پسرانه و ۱۲ دخترانه، شهری و روستایی) از مناطق منتخب (مجموعاً ۲۸۸ دبیرستان)
۴. انتخاب تصادفی ۳ کلاس از هر دبیرستان (در مجموع ۸۶۴ کلاس از دو پایه)
۵. انتخاب تصادفی ۱ دانش‌آموز از هر کلاس (در مجموع ۸۱۲ دانش‌آموز از دو پایه)
۶. انتخاب تمامی دبیران تاریخ ادبیات پایه‌های دوم و سوم کلاس‌های منتخب. در مجموع تعداد ۶۳۳ نفر به‌عنوان نمونه آماری.

گفتنی است با توجه به اینکه بعضی کلاس‌ها دارای دبیر مشترک در دبیرستان بودند، در استان سمنان شاهد افت حجم نمونه آماری بودیم. افت حجم نمونه آماری این استان با انتخاب دبیرانی از استان هم‌خوشه آن، یعنی قم، جبران گردید. بدین گونه، نمونه آماری دبیران از ۵ استان انتخاب گردید، اما پرسش‌نامه دانش‌آموزان در ۴ استان منتخب اجرا شد.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات، که از نوع محقق‌ساخته و به‌صورت کیفی (بازپاسخ) بود، شامل فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات ایران، فرم مصاحبه با متخصصان تاریخ ادبیات جهان، پرسش‌نامه دبیران، و پرسش‌نامه دانش‌آموزان بود. پرسش‌نامه‌ها حاوی سؤالاتی در زمینه ویژگی‌های محتوای مطلوب تاریخ ادبیات با توجه به ساختار آن، شیوه دست‌یابی به جامعیت آن، دشواری طبقه‌بندی آثار ادبی برحسب انواع (ژانرها)، تقسیم‌بندی دوره‌های مختلف ادب فارسی از آغاز تاکنون، بخش‌های تشکیل‌دهنده تاریخ ادبیات آموزشی، هدف‌های تاریخ ادبیات آموزشی، سهم هریک از دو تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان در چنین کتابی، الگوی مناسب نگارش تاریخ ادبیات آموزشی با توجه به روش‌ها و رویکردهای موجود، شیوه تضمین صحت و اعتبار علمی اطلاعات مندرج و... بود.

روایی ابزارها بر اساس روایی محتوایی و با دریافت نظرات متخصصان درباره آن‌ها به دست آمد. با توجه به کیفی بودن پرسش‌ها و داده‌های به‌دست‌آمده، اطلاعات حاصل از تکمیل پرسش‌نامه‌ها با طی مراحل جمع‌آوری پاسخ سؤال‌ها، حذف نظرات مشابه و تعیین فراوانی دیدگاه‌ها، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی نظرات، تنظیم نظرات به ترتیب فراوانی هر نظر، تقسیم‌بندی نظرات بر اساس محتوا، و... پردازش شد.

داده‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها

به منظور دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، از ابزارهای یادشده استفاده شد. داده‌ها به صورت کیفی گردآوری شد. در ادامه، داده‌ها و تحلیل مربوط، به تفکیک سؤال (هدف) پژوهشی به اختصار می‌آید:

۱. وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات با توجه به الگوهای مختلف در تدوین آن چگونه است؟

الف. نظرات متخصصان^۴

- نگارش تاریخ ادبی بر اساس نظم و توالی تاریخی جریانات ادبی و به موازات تاریخ عمومی مناسب‌تر است. زیرا تأثیر و تأثرها را نشان می‌دهد. در این شیوه، جریان‌های ادبی مطرح و معرفی می‌شوند تا مخاطب تصویری از تحولات انواع ادبی را پیدا کند و دوره‌های ظهور، اوج و افول انواع و موضوعات را ملاحظه نماید. در این میان به طور طبیعی، آثار شاخص هم طی مباحث مطرح می‌شوند و برخلاف شیوه سنتی، تاریخ ادبی شخصیت‌محور نخواهد بود، بلکه موضوع‌محور و نوع‌محور است و در آن از زندگی‌نامه‌ها، تاریخ رویدادها و ... خبری نیست. آنچه در این میان نباید فراموش شود، توجه به زمینه‌های فکری، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و علمی در پیدایش آثار و انواع ادبی است، زمینه‌هایی که خود موجد شکل‌گیری و به وجود آمدن آثارند. نکته دیگر اینکه برای افزایش جذابیت تاریخ ادبیات باید آن را به شیوه روایی و داستانی تدوین کرد.
- در طبقه‌بندی آثار برحسب انواع (ژانرها) گاهی مشکل این است که آثار به ژانر و نوع خود وفادار نیستند. یعنی آثار از نظر صورت به هم شبیه‌اند، اما از نظر موضوع و محتوا این‌گونه نیست و یا به عکس. خروج از نوع ادبی از جمله مسائلی است که در بررسی آثار بر مبنای موضوع یا قالب با آن مواجه می‌شویم. چنان‌که شاهنامه اغلب حماسی، گاهی غنایی، گاهی تعلیمی است و ... می‌توان گفت هیچ اثری صددرصد در ژانر خود محبوس یا کاملاً وفادار به آن نیست؛ مگر اینکه به طور طبیعی شکل نگرفته باشد یا به صورتی خاص برای مقاصد آموزشی و ... تدوین شده باشد. لذا در تقسیم‌بندی آثار برحسب ژانرها باید به موضوع و وجه غالب توجه کرد و آثار را در دسته‌ای گنجانند که تعلق و تشابه بیشتری به آن دارند (بیش از ۵۰ درصد اثر، ویژگی‌های ژانری خاص را داشته باشد). در بررسی‌ها باید به ژانرهای فرعی هم توجه کرد. چنان‌که مثلاً شاهنامه را باید حماسی به حساب آورد، اما جنبه غنایی آن را نیز باید بررسی کرد.

- در نگارش تاریخ ادبیات امکان پرهیز نویسنده از تأثیرپذیری از دیدگاه‌های خود وجود ندارد و نمی‌توان متن تاریخ ادبیات را به دور از قضاوت و نظرات پدیدآور آن تصور کرد. در صورتی‌که نویسنده چنین قصدی هم نداشته باشد، ناخودآگاه دیدگاه و قضاوت شخصی او در متن بازتاب می‌یابد.
- موضوعات مطرح‌شونده در تاریخ ادبیات باید از سویی در جهت تبیین هویت ادبی- فرهنگی ملت باشد و از دیگر سو ناظر بر موضوعات بنیادی زندگی و ادبیات از قبیل اخلاق و ... تا زندگی انسان‌ها را به سمت روشنائی پیش برد. تبیین دقیق خط فرهنگی گذشته همراه با تحلیل زمینه‌های ایجاد آثار، موجب تداوم فرهنگی می‌شود. تاریخ ادبیات آموزشی علاوه بر موارد مذکور، باید فعالیت‌های فکری ملت، اعم از شعر و نثر را معرفی کند؛ موجب ارتقای فرهنگ جامعه با تکیه بر غنای فرهنگی گذشته شود؛ عوامل اوج و حضيض ژانرها را بیان کند؛ زمینه تربیت ادیبان و صاحب‌نظران ادبی را فراهم کند؛ گزارش تحلیلی و فهرست‌وار از آثار نظم و نثر را در برگیرد؛ نشان دهد چه آثاری با توجه به عوامل بیرونی، انقلاب‌ها، تحولات سیاسی و ... تألیف شده‌اند؛ درونگرا نباشد و به گروه و دسته‌ای ویژه اختصاص نداشته باشد.
- ترکیب کردن کامل تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان در یک کتاب صحیح نمی‌نماید. مگر اینکه در انتهای روند بیان تاریخ ادبی ایران (در پایان هر فصل یا بخش آن) مختصری درباره تاریخ ادبیات جهان در دوره مورد نظر نوشته شود یا اینکه جریانات و شخصیت‌های ادبی جهانی هم زمان با معرفی هم‌تایان ایرانی‌شان، به اختصار معرفی گردند. در این صورت تأثیر و تأثیری هم اگر وجود دارد، می‌تواند مورد اشاره قرار گیرد.
- تألیف تاریخ ادبیات با توجه به ماهیت آن، امری گروهی است و باید متخصصان حوزه‌های سبک‌شناسی، نقد ادبی، زبان‌شناسی، متن‌شناسی، متخصصان آثار عرفانی، غنایی، حماسی و ... در تدوین آن مشارکت نمایند.
- از جمله مهم‌ترین اقدامات ناظر بر تألیف تاریخ ادبیات درسی، انتخاب اهدافی محدود، واقع‌بینانه و سنجش‌پذیر است. از پیش‌بینی کردن اهداف کلی، تفسیرپذیر و غیرقابل تحقق باید پرهیز شود. پس از تعریف اهداف، لازم است متناسب با آن، دست به تألیف کتاب زد. انتخاب اهدافی چون بررسی سیر تطور و تحول انواع، همراه با سبک‌های ادبی با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و ... می‌تواند مفید باشد. نباید انتظار داشت دانش‌آموزان دبیرستانی به زیر و بم تاریخ ادبی آشنا گردند.

ب. نظرات دبیران

- تاریخ ادبیات باید به‌گونه‌ای باشد که برای دانش‌آموزان جذاب باشد و آنان از خواندنش لذت ببرند و علاقه‌مند به شناخت دانشمندان، نویسندگان و شعرا و همچنین پیشینه تاریخی و فرهنگی کشور شوند. همچنین حس افتخار به هویت ملی و تاریخی را در آنان ایجاد نماید.
- بهتر است زبان کتاب ساده، متناسب مخاطب و به فارسی معیار باشد. اشتمال کتاب بر جملات طولانی و زبان غیرمعیار و موضوعات ثقیل ناموجه است.
- اگر کتاب بیان روایی و داستانی و گاهی طنزآمیز داشته باشد، بهتر در ذهن دانش‌آموزان ماندگار می‌شود.
- بهتر است به ادبیات معاصر توجه بیشتر معطوف گردد و از شعرا و نویسندگان در قید حیات نیز یاد شود. دانش‌آموزان علاقه زیادی به تاریخ ادبیات قدیم ندارند.
- شاهد مثال‌های به‌کاررفته در کتاب زیبا، جذاب و روان باشد. البته این شواهد باید برانگیزاننده احساسات و تفکرات دانش‌آموزان هم باشد.
- بهتر است کتاب نه حافظه‌مدار، بلکه حالت تحلیلی داشته باشد، تا موجب علاقه‌مندی مخاطبان گردد.
- کتاب باید به‌صورت منسجم و طبقه‌بندی شده ارائه شود. ترتیب زمانی رخدادها رعایت شود و محتوا به‌صورت سلسله‌وار بیان شود.
- در صورت امکان، به جای بخش تاریخ ادبیات جهان، تاریخ ادبیات اسلام یا ادبیات تطبیقی جایگزین شود.
- بین موضوعات ارائه‌شده در «تاریخ ادبیات» و «ادبیات فارسی» هماهنگی ایجاد شود تا دبیران با استناد به محتوای هر دو کتاب، به آموزش آن‌ها بپردازند. مثلاً نویسندگانی که در کتاب ادبیات فارسی نامشان آمده است در تاریخ ادبیات به شکل مفصل معرفی شوند.
- تعاریف چنین کتابی باید کلی باشد تا دانش‌آموزان دچار شک و تردید و همچنین خستگی و دلزدگی نشوند. مطالب بخش تاریخ ادبیات جهان-اگر الزامی به نگارش آن باشد- قابل فهم و روشن ارائه شود.
- محتوا کاربردی، و حفظیات آن کم باشد. برای رسیدن به این منظور بهتر است در آن آثار و سبک و ویژگی شاعران با هم مقایسه شود.
- سبک‌شناسی سال چهارم و نقد ادبی با تاریخ ادبیات دوم و سوم ادغام شود و در کنار هم تدریس شوند.
- در تهیه محتوا از اشعار و موضوعات مناسب سن و میزان درک دانش‌آموزان استفاده شود.

پ. نظرات دانش‌آموزان

- زبان کتاب آسان، قابل فهم و روان باشد و در آن از جملات دستورمند و واضح و صریح استفاده شود تا برای دانش‌آموزان قابل فهم باشد.
- بهتر است محتوا به صورت منظم و طبقه‌بندی شده ارائه شود. مخصوصاً پاسخ سؤالات هر درس در همان درس بیاید نه در درس‌های قبل.
- در آن به شاعران، ادبیات و مباحث ادبی معاصر توجه بیشتری شود.
- محتوای کتاب کاربردی و آموزنده باشد. مطالب، مناسب پژوهش باشد، نه صرفاً برای حفظ کردن.
- محتوای کتاب بیشتر در قالب داستان و روایت باشد.

در تحلیل نظرات جمع‌آوری شده از سه دسته فوق، یعنی متخصصان، دبیران و دانش‌آموزان، می‌توان گفت از نظر آنان، دست‌یابی به پاسخ پرسش اول پژوهش (وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات با توجه به الگوهای مختلف در تدوین آن)، مستلزم توجه به اصول و موضوعات محوری زیر است:

◀ اصل نخست، روش تدوین تاریخ ادبیات

محتوای تاریخ ادبیات باید دارای نظم تاریخی باشد، در این صورت تأثیر و تأثرها را نشان می‌دهد و با عبارت «تاریخ ادبیات» مطابقت دارد، زیرا در تاریخ هم سیر و توالی رویدادها به ترتیب بررسی می‌شوند. در عین حال برای برخوردار شدن از ویژگی کفایت، و پوشش زوایای موضوع، روش ژانری هم به آن اضافه می‌گردد. یعنی تلفیقی از روش تاریخ ادبی در موازات تاریخ عمومی و روش ژانری، که بر اساس آن تحلیل در یک بستر تاریخی شکل می‌گیرد و در کنار آن، بررسی موضوعات و مقوله‌های ادبی هم پیش می‌رود. مانند بررسی ادبیات عرفانی، سیر قصیده‌سرایی، و... به دیگر سخن، جریان‌های ادبی در بستر تاریخ مطرح می‌گردد. دوره‌های ظهور، اوج و افول یک نوع ادبی نشان داده می‌شود و آثار مهم در هر نوع ادبی بررسی می‌گردد. در این روش سیر تاریخی موضوعات و جریان‌های ادبی جای الگوی شخصیت‌محوری گذشته را می‌گیرد و حوزه نثر و شعر هم مستقل بررسی و تحلیل می‌شود. در رویکرد موضوع‌محوری هم به فرم و هم به موضوع و محتوا توجه می‌گردد. لذا انتظار می‌رود تاریخ ادبیات آموزشی‌ای که با این روش نوشته شده باشد، دارای این مشخصات باشد: دوره‌های تاریخی تأثیرگذار بر ظهور آثار ادبی و صاحبان آن‌ها را معرفی نماید؛ ترتیب تاریخی پدید آمدن آثار را در برگیرد؛ افراد شاخص و برجسته هر ژانر و دوره را اعم از شاعر و نویسنده - معرفی کند؛ مقولات و انواع ادبی را همراه با تغییرات آن‌ها نشان دهد؛ موضوعات و محورهای شعر و نثر را در دو بخش مستقل مطرح و

بررسی کند؛ به منطقه‌های جغرافیایی خاص که مهد پدید آمدن شاعران و نویسندگان بزرگ بوده است، توجه نماید؛ به عوامل محیطی، فرهنگی، علمی، معنوی و... تأثیرگذار بر ظهور انواع ادبی و ادبای برجسته توجه نماید؛ و مهم‌تر از همه، دارای بیان روایی و داستانی باشد. بنابراین، این روش بر اعداد و ارقام و اشخاص تأکید ندارد، بلکه تاریخ مکتب‌ها و موضوعات ادبی است، یعنی بیش از اینکه افراد و نقش آن‌ها برجسته شود، نظریه‌ها، فکرها، مباحث، مجادلات فکری در حوزه ادبیات، عرفان، و... برجسته می‌شوند و تحولات فکری- ادبی دوره‌ها (دوره‌های ادبی) تشریح می‌شود. در آن ارتباط نظریه‌ها و بحث‌های مطرح شده در هر دوره با دوره‌های قبل و بعد، و نیز تأثیرات فکری سایر ادبیات‌ها و تمدن‌ها نشان داده می‌شود.

اصل دوم، دشواری طبقه‌بندی آثار برحسب انواع (ژانرها)

نوشتن تاریخ ادبیات برحسب ژانر کار تاریخ‌نگار ادبی را دشوار می‌کند. زیرا اغلب آثار الزاماً به ژانر خود وفادار نیستند. چنان‌که در اثری چون شاهنامه -که عمدتاً حماسی است- انواع دیگر از قبیل غنایی، تعلیمی و... یافت می‌شود. به‌علاوه، ممکن است در عین حال که شباهت‌هایی به آثار هم‌خانواده‌اش داشته باشد، تفاوت‌هایی نیز با آن‌ها داشته باشد. لذا آثار را برحسب وجه غالبشان در قالب یک ژانر می‌توان بررسی و طبقه‌بندی کرد. یعنی طبقه‌بندی آثار، باید بر مبنای وجه غالب باشد؛ به این معنی که اگر کلیت اثر (دست‌کم ۵۱ درصد محتوای آن) به نوع خاصی تعلق داشته باشد، آن را در آن طبقه جای می‌دهیم.

اصل سوم، پرهیز از نگاه عصری

پرهیز کامل مورخ ادبی از تأثیرپذیری از جهان‌بینی و مکتب فکری عملاً امکان ندارد و حتی وی به‌صورت ناخودآگاه تحت تأثیر است. آنچه اهمیت دارد، کوشش حداکثری او برای عدم تأثیرپذیری از مسائل و موضوعات مقطعی و زودگذر است. در چنین اثری باید در حد امکان از موضع‌گیری به نفع یک فکر خاص پرهیز شود و در هر دوره ادبی گزارشی از آنچه روی داده است ارائه شود.

اصل چهارم، تاریخ ادبیات و هویت ملی

آشنایی با هویت ملی جز از طریق شناخت درست ممکن نیست. اگر تاریخ ادبیات بتواند به روشنی سیر تحول اندیشه ادبی ایران را نشان دهد، موضوع آشنایی با هویت ملی هم خود به خود حاصل خواهد شد. لازم نیست مورخ ادبی از آغاز برای خود رسالت ثانوی القای هویت ملی را در نظر داشته باشد. این امر با ایفای درست نقش وی محقق خواهد شد. دیگر راه‌های پیوند دادن دانش‌آموزان به هویت ملی از طریق تاریخ ادبیات شامل معرفی آثار ماندگار و صاحبان آن‌ها به شیوه‌ای درست، تحلیل آثار ادبی بدون یک‌سونگری و کلی‌گویی، حساس کردن دانش‌آموزان برای تداوم بخشیدن به هویت فرهنگی افتخارآمیز گذشته، نشان دادن جایگاه جهانی سخنوران ایرانی و... است.

اصل پنجم، شیوه باهم‌آیی تاریخ ادبیات ایران و جهان

دو بخش تاریخ ادبیات ایران و جهان را نباید کاملاً با هم ترکیب کرد. زیرا موجبات اغتشاش فکری دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. بهتر است تاریخ ادبیات جهان- اگر قرار است جایی در کتاب داشته باشد- مستقل باشد؛ اما می‌توان در انتهای هر فصل تاریخ ادبیات ایران به ادبیات دیگر ممالک (از جمله ممالک غربی) توجه کرد و هر نوع مشابهت را با نوع غیر ایرانی آن خاطر نشان کرد و به تأثیر و تأثر احتمالی متقابل اشاره نمود. اما موضوعی که محل تردید است بودن یا نبودن قسمت تاریخ ادبیات جهان در کتاب مدرسه‌ای است.

اصل ششم، اهداف تاریخ ادبیات آموزشی

از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که در تدوین تاریخ ادبیات یا هر کتاب درسی دیگر باید مد نظر قرار گیرد، اهداف آن است که در راهنمای برنامه درسی مربوط به‌عنوان سند بالادستی تعریف و کتاب درسی مبتنی بر آن تألیف می‌شود. این اهداف باید محدود، واقع‌بینانه و سنجش‌پذیر باشد.

۲. وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات از نظر جامعیت چگونه است؟

الف. نظرات متخصصان

- به‌منظور دستیابی به موضوع جامعیت تاریخ ادبی، لازم است ابتدا واژه‌های «تاریخ»، «ادبیات» و «تاریخ ادبیات» را تعریف کرد. چه، عدم توجه به این موضوع، کتاب‌های تاریخ ادبیات را در گذشته گسترده و حجیم کرده است. چنان‌که بسیاری از موضوعات و آثاری که رنگ ادبی ندارند، از جملهٔ موارث ادبی به حساب آمده‌اند. البته گاهی کتاب‌های غیرادبی (مانند کتاب‌های تاریخی از جمله تاریخ بیهقی و ...) ارزش ادبی دارند و جنبهٔ ادبی‌شان غالب است و نباید آن‌ها را از تاریخ ادبیات کنار گذاشت. گاهی آثار کلاسیک را هم به اعتبار زبان آراکائیک (باستانی) و به دلیل ضرورت آشنایی با تحول و فرم زبان در تاریخ ادبی می‌گنجانند. اما به‌هرحال، تاریخ ادبیات تاریخ علم و فلسفه، کلام و ... نیست و باید به آثاری پرداخت که جنبهٔ ادبی قابل‌توجهی دارند. زنده و پویا بودن نیز معیاری دیگر برای گزینش آثار و معرفی آن‌ها در تاریخ ادبیات است.
- برای گزینش حجم مناسب اطلاعات در کتاب تاریخ ادبی دبیرستان باید نیازسنجی کرد و مقداری اطلاعات متناسب به مخاطب ارائه کرد. وارد کردن انبوهی از اطلاعات در کتاب کارآمد نخواهد بود و امکان هضم و تحلیل نیز نخواهد داشت. در کنار این موضوعات و پدیده‌ها و نیایدها، کتاب‌های جدیدالتألیف را باید به‌صورت آزمایشی در چند نقطهٔ کشور تدریس کرد. اما نباید از نظر دور داشت که علم تاریخ ادبیات از گسترده‌ترین قلمروهای

مطالعات ادبی است و با سبک‌شناسی، نقد ادبی و ... رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. مؤلفان آن باید مرحله‌به‌مرحله با مخاطب پیش بروند، و جوهره تاریخ ادبیات باید به زبان ساده به دانش‌آموزان منتقل شود. محتوا باید مانند نقشه جغرافیایی که در مقیاس کوچک ارائه می‌شود و هیچ قسمت از آن حذف نمی‌شود، باشد. نباید در کم کردن مطالب تکه‌هایی از آن حذف شود؛ بلکه باید فقط آن را کوچک‌تر کرد.

- از آنجاکه کسی انتظار ندارد فارغ‌التحصیل دبیرستان (دوره آموزش عمومی) از مکتب‌های ادبی غربی سردر بیاورد، وجود این بخش در تاریخ ادبیات ناموجه است. می‌توان به جای این بخش، به تاریخ ادبیات فارسی در خارج از ایران (مانند هند، پاکستان، تاجیکستان و...) پرداخت؛ سپس به سراغ تاریخ ادبیات قلمرو اسلامی رفت. مسئله دیگر در گنجاندن مکتب‌های ادبی یا تاریخ ادبیات جهان اولاً دشواری محتوا، و در ثانی عدم امکان پرداختن دقیق به این موضوع در دبیرستان با توجه به محدودیت‌های مختلف (از جمله کمی زمان تدریس) است. دبیران ادبیات فارسی هم در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد آموزش لازم را در زمینه این مکاتب ندیده‌اند. لذا نخواهند توانست مدرسان خوبی برای موضوعات آن باشند.
- نام این اثر می‌تواند «تاریخ ادبیات فارسی» باشد. زیرا «تاریخ ادبیات ایران»، میراث ادبی خارج از قلمرو کنونی کشور را در بر نخواهد گرفت.

ب. نظرات دبیران

- بهتر است تاریخ ادبیات با محتوای مختصر اما مفید تهیه شود تا یادگیری دانش‌آموزان افزایش یابد. نیازی به ارائه انبوهی از اسامی و تاریخ‌ها نیست. بهتر است چند شاعر، نویسنده یا موضوع به صورت کامل و مفصل معرفی شوند تا این‌که تعداد بسیاری به صورت کم و ناقص.
- مطالب کتاب حتی المقدور کاربردی باشد. بهتر است به سبک زندگی و آثار بزرگان بیشتر توجه شود تا تاریخ و رویدادها. محتوا به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان با مطالعه شرح حال شاعر و نویسنده و تحلیل آن بتوانند با او ارتباط روحی برقرار کنند و نتایج آن را در زندگی خود به کار بندند.
- در آن از نقاشی و تصاویر زیبا و تصاویر نسخه‌های خطی استفاده شود به‌گونه‌ای که برای دانش‌آموزان ایجاد شادی و انگیزه کند.
- نمونه‌های زیادی از نثر و نظم و داستان و حکایت در کتاب بیاید. اکنون شاهد مثال‌های کتاب‌های تاریخ ادبیات بیشتر به صورت نظم است و تمرکز اصلی کتاب‌ها بر معرفی شعر است. لازم است به نمونه‌های نثر و همچنین نویسندگان آن‌ها بیشتر از حد رایج توجه شود.

- تاریخ ادبیات باید جامع و مانع باشد و تحولات ادبی و بلاغی و ادبیات کهن و معاصر را به صورت متعادل توضیح دهد.
- بهتر است کتاب به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان با پیشینه ادبی کشور خود و اخلاق و منش شاعران و نویسندگان و تجارب آن‌ها آشنا شوند.
- تاریخ ادبیات باید سیر تکامل ادبی و فراز و فرودهای آن را نشان دهد. تحولات تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی در درجه دوم اهمیت است.
- بهتر است موضوعات تحقیقی نیز، برای تثبیت یادگیری، به چنین کتابی اضافه شود. کتاب بهتر است دانش‌آموزان را به تحقیق و بررسی درباره موضوعات ترغیب کند.
- مطالب باید مبتنی بر منابع موثق، به‌روز و دست‌اول باشد. سعی شود از تحریف و اعمال سلیقه فردی و متعصبانه در آن، خودداری شود.
- حجم محتوا با ساعات تدریس آن هماهنگ باشد.
- بهتر است فقط نویسندگان و شاعران بنام در کتاب معرفی شوند؛ نه آنان که چندان معروف نیستند.
- در کتاب از حکایات آموزشی و طنز که حاوی تجربیات و موفقیت‌های انسان‌های برجسته است، همراه با پند و اندرز استفاده شود.
- برای تثبیت یادگیری، فعالیت و خودآزمایی بعضی از درس‌ها بیشتر باشد. مناسب بودن کمیت این فعالیت‌ها باید مد نظر قرار گیرد.
- در کتاب، تمام سبک‌های ادبی در دوره‌های مختلف به صورت ساده و قابل فهم توضیح داده شود.
- بهتر است رمان‌های مهم جهان در کتاب معرفی شوند.

پ. نظرات دانش‌آموزان

- محتوا خلاصه و کم‌حجم باشد. از آوردن مطالب بیهوده و اضافی در شرح حال شاعران پرهیز شود. ذکر آثار و سبک و ویژگی شعری افراد شاخص و سرشناس کافی است.
- کتاب، بخش ادبیات جهان نداشته باشد یا حجم آن کم باشد. تمرکز اصلی بر تاریخ ادبیات ایران و شاعران و نویسندگان ایرانی باشد تا تاریخ ادبیات کشورهای دیگر.
- در آن نمونه‌های اشعار و حکایات و داستان‌های ادبی زیاد باشد. متن داستانی راحت‌تر فهمیده می‌شود.

- تعداد خودآزمایی‌های هر بخش کم باشد. بهتر است در آن سؤالات غیر ضرور نباشد.
 - در آن اسامی اشخاص و مکان‌ها کمتر به کار برده شود. بهتر است در آن اسم‌های غیر ضرور و توضیحات آن‌ها نباشد یا در بخش بیشتر بدانیم ذکر گردند.
 - در ارائه محتوا از نمودار و تصاویر استفاده شود. بهتر است تصاویری از شاعران هم در کتاب بیاید.
 - برای معرفی هر شاعر، نویسنده یا نوع ادبی، شاهد مثال‌های زیادی آورده شود.
- در تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از منابع سه‌گانه فوق، یعنی متخصصان، دبیران و دانش‌آموزان، می‌توان گفت از نظر آنان، دستیابی به پاسخ پرسش دوم پژوهش (وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات از نظر جامعیت)، مستلزم توجه به اصول و موضوعات محوری زیر است:

◀ اصل نخست، تبیین حدود و ثغور ادبیات

در هر نوع تألیف تاریخ ادبیات باید ابتدا تعریف «تاریخ»، «ادبیات» و «تاریخ ادبیات» به تفکیک روشن شود. زیرا این موضوع در تعیین میزان جامعیت کتاب تاریخ ادبیات سخت تعیین‌کننده است. کتب ادبی و غیرادبی با توجه به تعریف «ادبیات» در گذشته، در هم آمیخته‌اند. کتاب‌های غیرادبیات صرف هم گاهی ارزش ادبی دارند.

◀ اصل دوم، حجم تاریخ ادبیات آموزشی

در کتاب آموزشی مدارس با توجه به محدودیت‌های مختلف، مجال چندانی برای گسترش بحث‌های فنی و پر شاخ و برگ نیست. باید با زبانی ساده و کوتاه به زمینه‌های تاریخی و فکری و ادبی انواع و موضوعات ادبی پرداخت و رابطه آثار هر نوع ادبی را با سایر آثار ادبی نشان داد.

◀ اصل سوم، معیارهای گزینش آثار برای درج در تاریخ ادبیات آموزشی

مؤلف تاریخ ادبی آموزشی در گزینش آثار برای تحلیل و طرح در کتابش باید معیارهایی از جمله برخوردار بودن از خصیصه‌های تشخیص زبانی، قرار داشتن در زنجیره تحول یا تکامل ادبی، و... داشته باشد. نمی‌توان همه موضوعات و آثار ادبی را در چنین کتابی معرفی کرد.

◀ اصل چهارم، محتوای تاریخ ادبیات آموزشی

- مورخ ادبی در تدوین محتوای تاریخ ادبیات آموزشی باید به نکات زیر توجه نماید:
- طرح همه موضوعات در کتاب درسی مدرسه ضرورت ندارد. می‌توان برای بررسی شخصیت‌ها و آثار، دانش‌آموزان را به منابعی ارجاع داد تا در صورت لزوم مطالعه نمایند.

- محتوا باید مختصر و همراه با مثال‌هایی کوتاه و جذاب از شعر و نثر به صورت متعادل باشد تا دانش‌آموزان هنگام مطالعه آن دچار خستگی نشوند. چنین کتابی باید سهل‌الهمضم، شیرین و موضوعی باشد.
- در آن از نقاشی، و تصاویر نسخه‌های خطی و ... استفاده شود تا برای دانش‌آموزان ایجاد شادی و انگیزه کند.
- بخشی از محتوا، تحقیق دانش‌آموزان درباره شاعران و نویسندگان و یا آثارشان باشد. آنان نتیجه تحقیق خود را در کلاس ارائه کنند.
- مطالب آن مبتنی بر منابع موثق و معتبر باشد.
- از ارائه مطالب بیهوده و اضافی در شرح بیوگرافی شاعران پرهیز شود. موضوعات آثار، سبک و ویژگی آن‌ها کافی است.
- زندگی‌نامه شاعران و نویسندگان، اسم‌های غیر ضروری و ... می‌تواند در انتهای کتاب و در بخشی با عنوان «برای مطالعه آزاد» یا «بیشتر بدانیم» باشد.
- به وقایع تاریخی، سیاسی و ... کمتر و به موضوعات ادبی بیشتر توجه شود. در کتاب تاریخ ادبیات نیازی به آوردن انبوهی از اسم‌ها و تاریخ‌ها نیست.

◀ اصل پنجم، دوره‌های زمانی

این اثر مانند نقشه جغرافیایی که در مقیاس کوچک عرضه می‌شود و هیچ قسمت از آن حذف نمی‌شود، باید کوچک‌شده تاریخ ادبیات کلان باشد. البته بدون ذکر جزئیات و فقط با حفظ پیکره اصلی و رعایت اقتضائات آموزشی. لذا دوره زمانی آن با تاریخ ادبیات کلان هماهنگ خواهد بود.

◀ اصل ششم، تاریخ ادبیات ایران و تاریخ ادبیات جهان

گنجاندن مکتب‌های ادبی غربی (تاریخ ادبیات جهان) در کتاب درسی به دلایلی موجه نمی‌نماید. زیرا این مباحث، اولاً بسیار دشوارند و باید چندین واحد درسی برای آن‌ها تعریف شود تا دانش‌آموزان بتوانند با آن‌ها انس کامل بگیرند. در ثانی، دبیران ادبیات که اغلب دانش‌آموخته کارشناسی یا کارشناسی ارشد این رشته هستند، پیش‌تر آموزش لازم را در این زمینه ندیده‌اند، اما ناچارند آن را تدریس نمایند.

◀ اصل هفتم، نام اثر؛ «تاریخ ادبیات فارسی» به جای «تاریخ ادبیات ایران»

چنان‌که ملاحظه می‌شود، پاسخ‌گویان نام «تاریخ ادبیات فارسی» را مناسب‌تر می‌دانند. زیرا با انتخاب نام «تاریخ ادبیات ایران»، با کشورهای همسایه - که با ما تاریخ و فرهنگ مشترک دارند - اختلاف پیش می‌آید، و تعلق افرادی چون رودکی، سنایی و ناصر خسرو و ... به ایران یا همسایگان سبب اختلاف می‌شود.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

بررسی نظرات متخصصان تاریخ ادبیات، دبیران و دانش‌آموزان پایه دوم و سوم علوم انسانی، برای دست‌یابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، نتایج زیر را نشان می‌دهد:

۱. پاسخ به پرسش اول پژوهش، مبنی بر وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات با توجه به الگوهای مختلف در تدوین آن (مانند تاریخ ادبی در موازات تاریخ عمومی، جریان‌شناسی ادبی، تاریخ درونی ادبیات، پژوهش‌های دوره‌ای و...)، مستلزم توجه به موضوعات محوری زیر و کاربرد آن‌ها است؛ اما پیش از تبیین و تشریح اصول، لازم است یادآور شد که علاوه بر موضوعات و توصیه‌های مندرج در ذیل سؤال پژوهشی حاضر، در نگارش تاریخ ادبیات باید به اصول و مبانی‌ای دیگر هم پایبند بود که بخش‌هایی از آن‌ها پیش‌تر درج گردید و به دلیل ضرورت اجتناب از تکرار و اطاله سخن، از طرح دوباره آن‌ها خودداری می‌شود.

الف. محتوای تاریخ ادبیات آموزشی باید از سویی به روش «تاریخ ادبی در موازات تاریخ عمومی» تألیف شود. در این روش، زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و علمی پیدایش آثار با استفاده از تکنیک بیان روایی بررسی و تحلیل می‌شود. اما برای پوشش کامل زوایای موضوع، از دیگر سو روش ژانری، یعنی طبقه‌بندی، رده‌بندی و بررسی در چارچوب «شکل بیرونی» (وزن یا ساختاری خاص) و «شکل درونی» آن (نگرش، لحن، مقصود؛ رک. مکاریک ۱۳۸۵، ص. ۳۷۴)، هم باید به آن اضافه کرد و مجموعاً روش تلفیقی را به کار گرفت. لذا چنین کتابی موضوع‌محور خواهد بود و نه شخص‌محور. به دیگر سخن، بیش از آنکه افراد و نقش آن‌ها برجسته شود، نظریه‌ها، فکرها، و موضوعات در حوزه‌های ادبیات، عرفان، و... برجستگی می‌یابد. زرقانی و قربان‌صباغ (۱۳۹۵، ص. ۴۰۹) پیشنهاد می‌کنند برای ارائه تصویری دقیق از نظم و نظام ژانری ادبیات فارسی و رده‌بندی متون ادبی، سه متغیر «محتوا، ساختار/فرم و وجه» از یک سو، و چهار متغیر «کارکرد، بافت، مخاطب و روابط بینامتنی» از دیگر سو، اساس قرار گیرد. موضوعی که هم‌سو با یافته‌های این پژوهش است. آنچه شایسته توجه جدی است، این است که برای رده‌بندی ژانرها لازم است شاخصه‌های اصلی و نیز ویژگی‌های مکمل هر یک همراه با تشابه و تفاوت‌های آن‌ها با ژانرهای هم‌جوار معلوم گردد تا بتوان متون ادبی را دسته‌بندی کرد. چنان‌که برای نمونه، در همان (ص. ۳۲۱) «ژانر شگرف» این‌گونه بررسی شده است. نمونه‌های دیگر در اثر یادشده، رده‌بندی کهن‌الگویی فرای (ص. ۳۲۳) و نیز رده‌بندی قصه‌های پریان (ص. ۳۲۶) به وسیله پراپ است.

گفتنی است در بین روش‌های عمدتاً غیر ایرانی رایج تاریخ ادبیات‌نگاری (چون روش علمی، هرمنوتیک، رویکرد تکوینی، و...) بهره‌گیری از ویژگی‌های روش علمی از جمله تکیه بر مطالب مستند و تحلیل درست آن‌ها بسیار راهگشاست؛ اما استفاده از روش‌هایی دیگر چون هرمنوتیک، رویکرد تکوینی، دیالکتیکی، و... برای تاریخ ادبیات مدارس مناسب نیستند، زیرا به مطالعات مقدماتی و دانش زمینه‌ای مخاطبان نیاز دارند. نتیجتاً روح روش علمی را می‌توان در الگوی پیشنهادی فوق به خدمت گرفت.

از جمله عناصری که در روش مورد اشاره و برگزیده این پژوهش وجود دارد، و رسیدن به تألیفی مطلوب را میسر می‌نماید، موضوع تغییر نظام‌مند مقولات و انواع ادبی، کم و کیف قواعد و قوانین مربوط، زمان و توالی مکتب‌ها و غیره است که در این اسناد هم مورد توجه و تأیید صاحب‌نظران قرار گرفته است: (پاکتچی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹)، (اسمعیلی، ۱۳۸۴، ص. ۸)، (فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۴۶)، (مکاریک، ۱۳۸۵، ص. ۸۵)، (پورنامداریان، ۱۳۸۴، ص. ۵۲)، (قویمی، ۱۳۸۴، ص. ۸۳)، (زرین‌کوب، ۱۳۷۵، مقدمه، ص. ب)، (زرقانی و قربان‌صباغ، ۱۳۹۵، ص. ۳۵۲).

یارشاطر (۱۳۹۳، ج یک، ص. ۳۰) نیز در تازه‌ترین و شاید جدی‌ترین تاریخ ادبیات فارسی، در نوعی هم‌سویی با روش پیشنهادی این تحقیق، می‌گوید رویکرد تألیف کتاب او نه یکسره ترتیب تاریخی و نه کاملاً موضوعی است. تحولات در بستر زمان رخ می‌دهند و برای فهم یک نوع ادبی، مقتضی است که سیر آن برحسب توالی تاریخی دنبال شود. از دیگر سوی، صور خیال، درون‌مایه‌ها و پی‌مایه‌ها هرکدام زندگی خاص خود را دارند و باید نه تنها در طول زمان (به‌طور در زمانی) بلکه به نحو هم‌زمان، صرف‌نظر از عنصر زمان، نیز مطالعه شوند. بنابراین برای دستیابی به بررسی همه‌جانبه بهتر، ترکیبی از این دو رویکرد به کار گرفته شده است.

ب. اگر قرار است تاریخ ادبیات جهان جایی در کتاب داشته باشد، نباید آن را با تاریخ ادبیات ایران کاملاً ترکیب کرد. اما می‌توان در انتهای هر فصل ادبیات ایران دوره هم‌زمان آن در دیگر ممالک را مطرح کرد و هر نوع مشابهت و ارتباط میان ادبیات خود و آنان را باز نمود و به تأثیر و تأثر احتمالی متقابل فکری از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر نیز اشاره نمود. طرح‌گذرا و محدود مباحث تاریخ ادبیات جهان در کنار مباحث تاریخ ادبیات ایران سبب می‌شود جایگاه آثار ادبی فارسی در کنار آثار جهانی بیشتر معلوم گردد.

پ. در تدوین تاریخ ادبیات باید اهدافی از این دست را برای آن متصور شد:

- سیر تحول موضوعات و انواع ادبی و تأثیر و تأثرات مربوط را در بستر تاریخ نشان دهد.

- عوامل اوج و حضيض ژانرها را نشان دهد (و بیان کند چه آثاری با توجه به عوامل بیرونی و انقلاب‌ها و تحولات سیاسی و... تألیف شده‌اند).
 - میان ادبیات ملی و ادبیات سایر کشورهای جهان مناسبت و مطابقتی برقرار کند.
 - در جهت تبیین هویت فرهنگی و معرفی سیمای آن باشد.
 - فعالیت‌های فکری اعم از شعر و نثر را معرفی کند و به‌نوعی تاریخ اندیشه ادبی برای دانش‌آموزان باشد.
 - گزارش تحلیلی و فهرست‌وار از آثار نظم و نثر را در برداشته باشد. و ...
۲. دستیابی به پاسخ پرسش دوم پژوهش، مبنی بر وضعیت مطلوب محتوای درسی تاریخ ادبیات از نظر جامعیت، مستلزم توجه به موضوعات محوری زیر است:
- الف.** در تألیف تاریخ ادبیات باید ابتدا تعریف «تاریخ»، «ادبیات» و «تاریخ ادبیات» به تفکیک روشن شود. این امر کمک می‌کند که چه آثار و موضوعاتی در تاریخ ادبیات باید گنجانده شود. اجمالاً وظیفه تاریخ ادبیات، بررسی سیر تحولات ادبی است که در قالب نوشته بر جامانده یا حتی به‌صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه نقل شده است. البته باید پذیرفت که بعضی کتاب‌ها یک جنبه ادبی دارند، و یک جنبه غیرادبی. این‌گونه کتاب‌ها گاهی جنبه ادبی‌شان غالب است و گاهی جنبه غیرادبی آن‌ها. لذا نام‌گذاری دوگانه برای آن‌ها لازم است، مانند: آثار ادبی-تاریخی، آثار ادبی-فلسفی، آثار فلسفی-ادبی. یعنی گاهی صبغه ادبی پررنگ‌تر است و گاهی صبغه غیرادبی آن‌ها.
- ب.** کتاب درسی باید با توجه به محدودیت‌های مختلف، از جمله میزان ساعات تدریس در یک‌ترم یا یک سال تحصیلی، تدوین شود و حجم آن متناسب با زمان اختصاص داده شده باشد. در چنین شرایطی باید مؤلف به شرح و بسط موضوعات و مسائل شاخص‌تر دست زند.
- پ.** مؤلف تاریخ ادبی آموزشی در گزینش آثار برای تحلیل و طرح در کتابش باید معیارهایی از جمله جاویدان و زنده بودن آثار، داشتن ارزش ادبی، تأثیرگذاری بر آثار بعدی، برخورداری از خصیصه‌های تشخیص‌زبانی یا آشنایی‌زدایی‌زبانی و... داشته باشد. (رک. پورنامداریان، ۱۳۸۴، ص. ۴۹؛ فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۵۶ و ۵۸).
- ت.** مورخ ادبی در تدوین محتوای تاریخ ادبیات آموزشی باید به نکات زیر توجه نماید:
- در تاریخ ادبیات آموزشی باید تکیه بر موضوعات و آثار بسیار شاخص باشد.
 - مؤلف تاریخ ادبیات آموزشی باید انتظاراتش را از مخاطبان و نیز نیازهای آموزشی

- آنان را پیشاپیش تعریف کند و بر مبنای آن اثر را تألیف نماید.
- ادبیات کودکان، ادبیات عامه، ادبیات داستانی معاصر، ادبیات انتقادی (طنز و هزل و هجو)، و ادبیات زنان باید جایی در تاریخ ادبیات آموزشی داشته باشند. کرمی (بی تا) نیز بر این موضوعات تأکید دارد.
 - «تاریخ ادبیات»، «تاریخ ادیبان و نویسندگان» نیست. تاریخ انواع، جریان‌ها و... است.
 - مباحثی چون سبک‌شناسی و نقد ادبی که خیلی با تاریخ ادبیات رابطه دارند، دامنه تاریخ ادبیات را وسیع‌تر می‌کنند. این گستردگی را باید به نحوی مهار کرد، اما حذف نکرد.
 - شاهد مثال‌های ذکر شده به صورت متوازن، هم از متون نظم و هم از متون نثر، باشد.
- ث. نظر به این‌که تاریخ ادبیات با هدف بررسی و معرفی موضوعات و آثار حوزه‌های مختلف ادب پدید می‌آید، لازم است با توجه به نیاز و ویژگی‌های مخاطبان، از اولین نشانه‌های ذوقی ادبی، اعم از ادبیات شفاهی و کتبی، از دیرباز تا عصر حاضر را در برگیرد. جریان‌ات، آثار و شخصیت‌های معرفی شده باید واجد ویژگی‌های شاخص، جریان‌ساز و تأثیرگذار باشند. طبیعی است که آثار تأثیرگذار معاصران - اعم از زنده و مرده - که در تحقیقات ادبی به آن‌ها توجه شده و در جریان‌های ادبی، اجتماعی و سیاسی معاصر مؤثر بوده‌اند، نیز باید معرفی شود. لازم است دانش‌آموزان با کلیت تاریخ ادبیات از آغاز تا امروز آشنا شوند. در این صورت باید بر تاریخ ادبیات پیش از اسلام هم تأکید شود، و پیوستگی فرهنگی و زبانی ایرانیان پیش و پس از شروع دوره اسلامی نشان داده شود. طبیعی است تفکیک هر بخش از کتاب به یک دوره از تاریخ ادبی بر اساس تحولات فکری و ادبی صورت خواهد گرفت. در هر بخش پرسش‌های مطرح درباره دوره تاریخی مربوط می‌تواند به صورت ساده و قابل فهم بیان شود و محتوای آن بخش بر آن اساس شکل گیرد. از جمله موضوعات هر بخش، ارتباط نظریه‌ها و بحث‌های مطرح شده آن دوره، با دوره‌های قبل خواهد بود.
- ج. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، گنجاندن مکتب‌های ادبی غربی (تاریخ ادبیات جهان) در کتاب درسی به دلایلی موجه نمی‌نماید. زیرا تدریس موضوعات آن با دشواری‌هایی روبه‌روست. به علاوه، بررسی نگارنده نشان می‌دهد، درس تاریخ ادبیات در برنامه درسی مدارس چند کشور انگلیسی‌زبان بررسی شده در این پژوهش (شامل استرالیا، ایالات متحده، بریتانیا و کانادا) تقریباً غایب است. حضور آن بسیار کم و آن هم عمدتاً اختیاری است. لذا، برای تصمیم‌گیری در این زمینه، استفاده از تجارب و رویکرد

دیگر ملل می‌تواند راهگشا باشد (رک). «نشانی وبگاه برنامه درسی چند کشور» در پایان این مقاله^۵.

براتی (۱۳۸۷)، در فصل دهم پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی و تحلیل مکتب‌های ادبی در تاریخ ادبیات پایه دوم و سوم متوسطه» به ارزیابی مباحث مکتب‌های ادبی در تاریخ ادبیات دوم و سوم رشته علوم انسانی پرداخته و نهایتاً نتیجه گرفته است که هرچند مطالعه مکتب‌های ادبی اروپا مخاطبان را با فلسفه، فرهنگ و مذهب اروپاییان آشنا می‌کند، اما این بخش از کتاب دارای ویژگی‌هایی منفی چون صعوبت و دشواری محتوا، ضعف دبیران در آموزش آن، حجم زیاد و... است. البته حذف کامل مباحث ادبیات جهان پیشنهاد نگارنده این مقاله نیست، بلکه چنان‌که در پاسخ به پرسش نخستین پژوهش گفته شد، می‌توان در کتاب هر جا ضرورتی و یا مشابهتی پیش آید به آن اشاره کرد و تأثیر و تأثرات را نشان داد.

ج. نام این اثر «تاریخ ادبیات فارسی» و نه «تاریخ ادبیات ایران» خواهد بود. هرچند در زمینه نام‌گذاری چنین اثری در این زمینه استدلال‌هایی متعارض وجود دارد:

- گروهی «تاریخ ادبیات فارسی» را مناسب‌تر می‌دانند. زیرا با انتخاب نام «تاریخ ادبیات ایران» تعلق افرادی چون رودکی، سنایی و ناصر خسرو و... به ایران یا همسایگان محل اختلاف خواهد شد.

- گروهی «تاریخ ادبیات ایران» را مناسب‌تر می‌دانند. زیرا آثار قومیت‌های مختلف در سرزمین ایران از جمله به زبان‌های ترکی و... در شمول آن قرار خواهد گرفت. نتیجه‌گیری این بحث را به استاد مجدالدین کیوانی وامی‌گذاریم که در مقدمه یارشاطر (۱۳۹۳، ج یک، ص. ۱۸) نام «تاریخ ادبیات فارسی» را ترجیح می‌دهد. ایشان بر این باور است که اولاً کتاب مورد نظرشان به معرفی ادبیات فارسی در سرزمین‌هایی (از جمله هند، ترکیه عثمانی، و ممالک غربی) می‌پردازد که اکنون و حتی در گذشته زیر سیطره ایران نبوده‌اند و لذا آثارشان در «تاریخ ادبیات ایران» جایی ندارد. به‌علاوه، آثار ادبی زبان‌های ایرانی غیرفارسی هم در قیاس با زبان فارسی و ادبیات کم‌نظیرش وزن کمتری دارند و نباید به خاطر آن عنوان کتاب را از دقت کافی انداخت.

منابع

- اسمعیلی، سهیلا. (۱۳۸۴). دشواری‌های تاریخ ادبیات‌نگاری در فرانسه. در «درباره تاریخ ادبیات». تهران: سمت.
- براتی، مرضیه. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل مکتب‌های ادبی در تاریخ ادبیات پایه دوم و سوم متوسطه (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد واحد شیروان.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۸۴). تاریخ‌نگاری ادبیات در محافل روسیه در «درباره تاریخ ادبیات». تهران: سمت.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۴). موضوع و مواد تاریخ ادبیات در «درباره تاریخ ادبیات». تهران: سمت.
- حق‌شناس، مریم. (۱۳۹۲). نگاهی انتقادی و تحلیلی بر سیر تاریخ ادبیات در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۸). تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی. تهران: سخن.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۹). کاستی‌های روش‌شناسانه تاریخ ادبیات‌نگاری برای زبان فارسی. نامه فرهنگستان، ۱۱(۴۴)، ۴۰-۲۶.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۹۴). تاریخ ادبیات ایران ۱. تهران: فاطمی.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۹۵). تاریخ ادبیات ایران (۴) (با رویکرد ژانری). تهران: فاطمی.
- زرقانی، سید مهدی و محمودرضا قربان صباغ. (۱۳۹۵). نظریه ژانر (نوع ادبی). تهران: هرمس.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). از گذشته ادبی ایران. تهران: الهدی.
- سارلی، ناصرقلی. (۱۳۹۲). رویکردها و شیوه‌های دوره‌بندی در تاریخ ادبی. فنون ادبی، ۵(۹)، ۸۹-۱۰۸.
- سلطانی، منظر. (۱۳۸۰). بررسی سیر تذکرها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران، از ۱۲۸۵ تا ۱۳۳۲ ش. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۴۵(۱۵۷)، ۳۰۳-۴۲۰.
- سلطانی، منظر. (۱۳۸۴). بررسی تحلیلی و انتقادی وضعیت تاریخ ادبیات‌نویسی در ایران در «درباره تاریخ ادبیات». تهران: سمت.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۸۶). نارسایی‌ها در تدوین تاریخ ادبیات فارسی و ضرورت اصلاح و رفع آن‌ها. فرهنگستان زبان و ادب فارسی (سخن‌رانی). قابل بازیابی در <http://persianacademy.ir/fa/x2908861.aspx>
- سیدی، دکتر سید حسین. (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی تاریخ ادبیات‌نگاری. انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ۶(۱۴)، ۱۱۸-۱۰۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «پیر هری» غیر از «خواجه عبدالله انصاری» است. نامه بهارستان، ۱۰(۱۵)، ۱۸۵-۱۹۲.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۷). نظریه تاریخ ادبیات. تهران: سخن.
- قویمی، مهوش. (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات: پیدایش، وظایف، اهداف و محدودیت‌ها در «درباره تاریخ ادبیات». تهران: سمت.
- کبیری، مسعود. (۱۳۹۳). ارزشیابی کتاب ریاضی سوم دبستان (طرح پژوهشی). تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- کریمی، حجت‌الله. (بی‌تا). نقد و بررسی کتاب تاریخ ادبیات ایران و جهان ۱، سال دوم دبیرستان. رشته علوم انسانی، (از درس ۱ تا ۱۸). قابل بازیابی در <http://adab.tama.ir/site/maghalat/maghale>
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۵). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، (ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی). تهران: آگه. (اثر اصلی در سال ۱۹۹۳ چاپ شده است).
- نجمیان، امیرعلی. (۱۳۸۴). رابطه تاریخ و ادبیات از منظر تاریخ‌گرایی نوین در «درباره تاریخ ادبیات». تهران: سمت.
- یاحقی، محمدجعفر و عبدالحسین فرزاد. (۱۳۹۱). تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) - سال دوم آموزش متوسطه - نظری (رشته ادبیات و علوم انسانی) - کد ۲۴۶/۱. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- یاحقی، محمدجعفر و عبدالحسین فرزاد. (۱۳۹۱). تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) - سال سوم آموزش متوسطه - نظری (رشته ادبیات و علوم انسانی) - کد ۲۷۶/۱. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۹۳). تاریخ ادبیات فارسی (جلد اول، ترجمه مجدالدین کیوانی). تهران: سخن. (اثر اصلی در سال ۲۰۱۴ چاپ شده است).
- یارشاطر، احسان. (۱۳۹۳). تاریخ ادبیات فارسی (جلد هفدهم ترجمه زیر نظر ژاله آموزگار). تهران: سخن. (اثر اصلی در سال ۲۰۱۴ چاپ شده است).

ویژگی‌های محتوای درسی مطلوب تاریخ ادبیات در دوره دوم متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی

۳. یارشاطر، احسان. (۱۳۹۴). تاریخ ادبیات فارسی (جلد هجدهم، ترجمه سید احمد رضا قائم مقامی و غلامحسین کریمی دوستان). تهران: سخن. (اثر اصلی در سال ۲۰۱۴ چاپ شده است).

پی نوشت‌ها

1. Triangulation

2. Statistical population

۳. در این روش که در پژوهش کبیری ۱۳۹۳ (ص ۱۰۰) به کار گرفته شده، استان‌های کشور با توجه به شاخص‌های درصد دانش‌آموزان غیرانتفاعی، درصد دانش‌آموزان روستائین، تعداد دانش‌آموزان، سرانه دانش‌آموزی و شاخص به‌کارگیری ساختمان به چهار خوشه استان‌های خیلی بزرگ، استان‌های بزرگ، استان‌های متوسط و استان‌های کوچک تقسیم شده‌اند.
۴. با توجه به اینکه در پژوهش کیفی تعمیم‌یافته‌ها در اولویت نیست، در این بخش مقاله، از ذکر کمیت نظرات خودداری می‌شود (رک. کرسول، جان؛ کلارک، ویکی پلاتو (۱۳۹۰)، روش‌های پژوهش ترکیبی، ترجمه علیرضا کیامنش و جاوید سرایی، نشر آبیژن، چاپ اول.
۵. نشانی وبگاه برنامه درسی چند کشور:

<http://acara.edu.au/default.asp>

<http://www.australiancurriculum.edu.au/>

http://www.corestandards.org/assets/CCSSI_ELA%20Standards.pdf (Common Core State Standards for English Language Arts & Literacy in History/Social Studies, Science, and Technical Subjects)

<http://www.corestandards.org/ELA-Literacy/>

<https://www.education.gov.au/>

<http://www.edu.gov.on.ca>

<http://www2.gov.bc.ca/>

<https://www.gov.uk/government/collections/national-curriculum>

<https://www.studentsfirst.gov.au/>

<https://www.tes.com/uk/>

۶. آنچه گذشت، ویژگی‌های کتاب درسی مطلوب تاریخ ادبیات با توجه به دو مؤلفه «ساختار» و «جامعیت» بود. یک کتاب درسی مطلوب با ویژگی‌های کتابی چون تاریخ ادبیات، باید خصیصه‌های زیر را نیز دارا باشد:

الف. خصیصه‌های آموزشی:

تطبیق با راهنمای برنامه درسی مصوب؛ مبتنی بودن محتوا بر هدف‌های روشن و سنجش‌پذیر؛ نوآورانه، خلاقانه و مبتکرانه بودن تدوین محتوای اثر؛ همخوانی با نیازهای اصلی مخاطبان؛ توجه به پروراندن مفاهیم بنیادی به جای انتقال یافته‌های علمی؛ توجه به انگیزش و تحریک حس کنجکاوی و فعال‌سازی مخاطب؛ پرورش نگرش‌ها و رفتارهای مطلوب انسانی (در صورت اقتضای موضوع)؛ ایجاد ارتباط صحیح بین دانسته‌های قبلی مخاطبان و مطالب جدید؛ مناسب بودن مطالب از نظر میزان دشواری یا سهولت برای مخاطبان؛ توجه به پرسش‌های پر تکرار مخاطبان؛ مناسب بودن حجم مطالب با توجه به زمان پیش‌بینی شده برای تدریس کتاب؛ منطقی و دقیق بودن فصل‌بندی مطالب؛ رعایت پیش‌نیازها در ارائه محتوای کتاب درسی؛ رعایت ترتیب و توالی و نظم در ارائه محتوا؛ برخوردار بودن محتوا از عمق و کفایت لازم؛ برقرار بودن انسجام و پیوند منطقی و روشن بین اجزاء کتاب (تیترا، عناوین، محتوا و...؛ توضیح نکات و اصطلاحات مهم در پاورقی؛ جاذب و جالب بودن محتوا؛ متناسب بودن حجم اطلاعات دانشی و حافظه‌مدار در صفحات کتاب؛ ارائه مثال‌ها، تمرین‌ها و فعالیت‌های یادگیری کافی (در صورت ضرورت)؛ سلیس و روان بودن نثر کتاب؛ وجود مساوات بین لفظ و معنا (نبود ایجاد مخل و اطناب ممل) در متن؛ برخورداری متن کتاب از زبان فارسی معیار؛ بهره‌گیری مؤلف در تدوین کتاب از نظریه‌های یادگیری؛ ارجاع محتوای درسی به منابع آموزشی مرتبط؛ استناد کردن به نظریه‌های مرتبط با موضوع؛ استفاده از منابع و مآخذ معتبر و دست‌اول؛ استناد به منابع الکترونیکی جدید در زمینه موضوعی کتاب؛ ذکر درست منابع و مآخذ؛ هم‌خوانی با ارزش‌های فرهنگی جامعه؛ گنجاندن فهراس مفید در انتهای کتاب مانند فهرست واژگان، اعلام و... (در صورت ضرورت).

ب. خصیصه‌های تخصصی و موضوعی:

صحت علمی داشتن محتوا؛ تسهیل شدن درست و روشن دامنه موضوعی مربوط؛ هم‌خوانی با قلمرو تخصصی موضوع مربوط؛ پوشش وجوه مختلف موضوعی (جامعیت)؛ امانت‌دار بودن مؤلف در استفاده از آثار دیگران (رعایت اصول اخلاقی حرفه‌ای در تدوین اثر).

پ. خصیصه‌های فنی و پردازشی (آماده‌سازی‌های پس از تدوین محتوا):

در حد ضرورت، استفاده از تصویر، نمودار، جدول و... برای تفهیم مطالب و جذاب شدن آن‌ها؛ برخورداری از اصول ویرایش و نگارش؛ پیش‌بینی کردن فرصت ارتباط بین نویسنده و مخاطب (ایمیل، وبلاگ و...؛ توجه به معیارهای زیبایی‌شناسی (صفحه‌آرایی، طراحی جلد، گزینش سرصفحه‌ها، فونت و...).